گیرایی موج هستی
پروفسور حسین باهر
۱۴

چراغ‌ها را من روشن می‌کنم
به بهانه نمایشگاه تازه درمبخش
حسن کریم‌زاده
۱۵

شانس حضور در نگارخانه‌ها
یحیی تدین
۱۵

سقفی برای مهریه
اینجا ایران است، فراموش نکنید
صبا صراف
۱۶

حرفه: نقاش

ثمین نبی‌پور

به تماشای آثار راشل وایت‌رید

دعوت به درون فضای بسته

راشل وایت‌رید هنرمند انگلیسی متولد سال ۱۹۶۳ است و بیشتر به خاطر مجسمه‌هایش شـناخته می‌شود. این مجسمه‌ها که اغلب بزرگ و قالب گرفته‌اند، با نام خالق‌شان چنان پیوندی دارند که یکی را بدون دیگری نمی‌توان تصور کرد. وایت‌رید در سال ۱۹۹۳ به عنوان اولین هنرمند زنی که جایزه معتبر ترنر را کسب کرده، رسماً به دنیای حرفه‌ای مجسمه‌سازی نه‌تنها در کشورش که در سراسر جامعه هنری بین‌المللی قدم گذاشت. وایت‌رید در لندن متولد شده و در مناطق ییلاقی ساسکس بالیده است. او در دانشکده هنر و معماری دانشگاه برایتون درس خوانده، اما علاقه به هنر را از مادر به ارث برده است. مادر وایت‌رید هم درست مثل جوان‌ترین دخترش هنرمندی خالق بود و مرگش در سال ۲۰۰۳ تاثیری بسیار بر کار او داشته است. وایت‌رید اولین نمایشگاهش را در سال ۱۹۸۷ برگزار کرد و یک سال بعد یعنی در سـال ۱۹۸۸ نوبت به اولین نمایشگاه انفرادی‌اش رسید. بسیاری از آثار راشل وایت‌رید قالب‌هایی از اشیای زندگی روزمره‌مان به حساب می‌آیند، اما این قالب‌ها برخلاف آنچه از معنای معمول قالب انتظار داریم، نیستند. آنها به جای اینکه فضای داخلی قالب‌شان را به نمایش بگذارند، نمایانگر حجم و شکل و فضای خارجی آن هستند. این مفهومی است که در نگاه اول شاید حتی به چشم هم نیاید اما پس از مدتی به درونمایه اصلی آثار این هنرمند تبدیل می‌شوند و به آن هویتی یگانه می‌بخشند.

از طرف دیگر نباید منتظر باشیم وایت‌رید قالب‌هایی معمول را برای آثارش به کار گیرد. برای او تهیه اثر از فضای داخلی یک کمد جذابیتی ندارد. او می‌خواهد بداند حجم بیرونی آن کمد چگونه است، قالب فضای زیر اسباب و اثاثیه منزل چه فرمی دارند یا نگاتیو اشیا در قالب مجسمه‌سازی چگونه با تصویر پوزیتیوشان متفاوت است، درست مانند هیجانی که پیش از ظاهر کردن نگاتیو عکس‌های آنالوگ به سراغ عکاس می‌آید. وایت‌رید می‌گوید قالب‌ها باقی‌مانده سال‌های سال استفاده از اشیا و ابزار است. او بیش از هر چیز بر خط و فرم آثارش تاکید کرده و وسواس به خرج می‌دهد. از آنجا که بیشتر آثارش آینه تجربیات، احساسات، اندیشه‌ها و درونیات او هستند می‌توان به این نتیجه رسید که او هنرمندی است فراری از شهرت و هر آنچه به همراه می‌آورد. او کم مصاحبه می‌کند، در مراسم عمومی حاضر نمی‌شود و حتی راجع به آثارش به بیننده‌ها هم حرف نمی‌زند: «اگر آثارم نتوانند آنچه در دل داشتم را بیان کنند، از واژه‌ها چه انتظاری می‌توان داشت؟»

اولین اثری که راشـل وایت‌رید را در کانون توجهات قرار داد، «روح» نام داشـت که در سال ۱۹۹۰ به نمایش درآمد. او در این اثر که قالب تمام فضای یک اتاق است، با آن جزییات تکان‌دهنده و آشنایی بی‌حد و حصرش، بیننده را به سفری شخصی دعوت می‌کند. او به بیننده‌اش یادآوری می‌کند اتاق، خانه یا خانواده‌ای که برای همیشه ترک می‌شود، دیگر مثل قبل نخواهد بود. در «روح» وایت‌رید، کاغذدیواری‌ها تکه‌تکه ریخته‌اند، جای میخ‌ها هنوز دیده می‌شود و شاید دیگر قابی از آنها آویخته نشود یا دیگر صدایی در اتاق نپیچد. این اثر را چارلز ساتچی مجموعه‌دار معروف خرید و مدتی بعد شایعه از بین رفتن آن در آتش‌سوزی بر سر زبان‌ها افتاد. اما خالقش سکوت کرد و ترجیح داد درگیر این مسائل نشود: «حتی اگر یک نفر این اثر را دیده باشد و تحت تاثیرش قرار گرفته باشد، برای من کافی است. مجسمه‌ها هم مثل خود ما فانی‌اند.» این اثر بی‌شک، هوشمندانه‌ترین رویکرد به ایده‌ای منحصربه‌فرد است که مسیر حرفه‌ای وایت‌رید را تعریف می‌کند و به آن انسجام می‌بخشد.

وایت‌رید در سـال ۱۹۹۲، جاه‌طلبی و خلاقیت را به حد اعلا رسـاند و درست در محل اصلی خانه‌ای با سبک معماری ویکتوریایی، قالب معکوس آن را ساخت. این اثر که «خانه» نام دارد، قالبی سـیمانی از تمام فضای زیر سـقف آن خانه اسـت. او بـه خاطر خلق ایـن اثر از خانه‌ای کـه به همراه خانه‌های مشـابه‌اش در محله‌ای گرفتار شـده بود و شورای شهر لندن آن را به کلی بسته بود، سر و صدای بسیاری به پا کرد و بخشی از این هیاهو هم به جایزه ترنری برمی‌گشت که نصیب وایت‌رید شد، چرا که در آن سال او به عنوان هنرمند جوان سال برگزیده شد. «خانه» در ۱۱ ژانویه سال ۱۹۹۴ به دستور شورای شهر به کلی تخریب شد؛ تصمیمی که جدل‌های بسـیاری به دنبال داشـت. یکی از منتقـدان روزنامه ایندیپندنت این اثر وایت‌رید را «شـیء غریب» دانست که در عین غربتش، یکی از هیجان‌انگیزترین مجسمه‌های ساخته شده به دست یک هنرمند انگلیسی است و تا سال‌ها چنین خواهد ماند. گرچه این پیش‌بینی چندان درست از آب درنیامد. شومینه‌ای که برخلاف عادت ما بیرون زده، دستگیره درهایی که سوراخ‌های فرو رفته‌اند و پله‌هایی که با آنچه ما از مفهوم پله در ذهن داریم و هر روز احتمالاً از روی چندتایشان می‌گذریم، همه بخشی از هیجانی جدید بود که این اثر وایت‌رید به جهان مجسمه‌سازی مدرن بخشید. این اثر درست مثل هیروگلیف‌های مصر باستان اسرارآمیز و در عین حال قابل درک بود و این تناقض آشکار اما دوست‌داشتنی آن را جاودانه کرد.

«خاکریز» اما حکایتی دیگرگونه دارد. این اثر عظیم ریچل وایت‌رید در بهار سال ۲۰۰۴ آغاز شـد و در اکتبر سال ۲۰۰۵ بالاخره به نمایش عمومی گذاشته شد. این مجموعه که به حمایت کمپانی اونیلوه و برای پر کردن فضای یکی از سالن‌های وسیع موزه تیت مدرن لندن ساخته شد، آلبوم خاطراتی است از تمام آنچه بر زندگی وایت‌رید، چه به عنوان یک انسان و چه یک هنرمند، بیشترین تاثیر را داشته است. او ابتدا که با این پیشنهاد مواجه شد، اعتماد کافی برای تقسیم تمام این درونیات با «غریبه‌ها» را نداشت. اما بعد از شش ماه دودلی، این مخاطره را پذیرفت، از تمام دلمشغولی‌هایش پرده برداشت و بیننده‌هایش را به داخل خانه‌اش دعوت کرد. «خاکریز» وایت‌رید از ۱۴ هزار جعبه سفید از جنس پلی اتیلن ساخته شده که به طرق مختلف روی هم انبار شده و هنر مفهومی را هویتی نو بخشیده‌اند.

بعضی از این جعبه‌ها درست مثل یک کوه روی هم قرار گرفته‌اند؛ کوهی که از دامنه تا قله‌اش سفید و یکدست است. ارتفاع بعضی از این حجم‌ها تا سقف گالری می‌رسد و بعضی دیگر از قد بیننده‌ها هم تجاوز نمی‌کند. این جعبه‌ها با چسب سر جایشان محکم شده‌اند اما نمادی از ذهن سیال هنرمندی هستند که اندیشه‌هایش را به مغزش قفل نمی‌کند و به زودی، آنها را با تجربه‌های شخصی مخاطبانش همراه می‌کند. خودش می‌گوید موارد مختلفی را هنگام جا به جا کردن این جعبه‌ها در سر داشته که پررنگ‌ترین آنها فیلم «همشهری کین»، «آخرین سـفرش به قطب شـمال» و البته از دسـت دادن مادرش بوده است. «در روزهای نخسـتی که از نبود مادرم می‌گذشـت، مدام جعبه‌هایی را در خانه‌اش بی‌هدف و بی‌خبر از مقصدی تکان می‌دادم و این طرف و آن طرف می‌بردم.» جعبه‌های «خاکریز» از قالب ۱۰ جعبه مقوایی در اندازه‌های مختلف ساخته شده‌اند. کمپانی سازنده این جعبه‌ها آنها را از مواد قابل بازیافت تهیه کرده؛ نکته‌ای که در نظر بسیاری از منتقدان هنری، تیزهوشی وایت‌رید را برای بیان چندین و چند مفهوم در قالب تنها یک اثر می‌رساند. بیننده‌ها درست زمانی که به در ورودی این گالری قدم می‌گذارند، خود را به کلی از فضای بیرون آن جدا می‌بینند، انگار در حبابی ایزوله شده‌اند و دیگر به جهان خارج از آن تعلق ندارند. اما با هر قدمی که میان این توده‌های سفید برمی‌دارند، خاطره، اندیشه و تجربه‌ای را به یاد می‌آورند که با آن توده جعبه‌های سفید همخوانی دارد. شاید به دلیل همین شخصی بودن اثر است که منتقدان نظراتی متضاد نسبت به آن ارائه داده‌اند. بسیاری آن را ستوده‌اند و بعضی دیگر، درست مثل منتقد روزنامه دیلی‌میرور، ابراز خوشحالی کرده که این «حبه‌های قند عظیم که بیش از ۴۰۰ هزار پوند قیمت‌شان است» قابل بازیافت هستند.

گزینش وایت‌رید برای سوژه‌های آثارش، نشان از آگاهی کامل و انسان‌گونه او از تمام ابزاری دارد که زندگی ما را احاطه کرده و در بسـیاری موارد به آن معنا بخشـیده است. او با حذف کاربردها و کارکردهای آشنای آنها، می‌کوشد غیبت و از دست دادن را به بیننده منتقل کند. آثار موخر این هنرمند انگلیسی به موقعیت جهانی انسان و ارتباطش با پیرامونش می‌پردازد و به همین دلیل از عناصری استفاده می‌کند که در عین در دسترس و آشنا کردن، مفهومی انتزاعی را در خود پنهان دارند.

خاکریز، ۲۰۰۵-۲۰۰۴

روح، ۱۹۹۰

انتظار، ۲۰۰۵

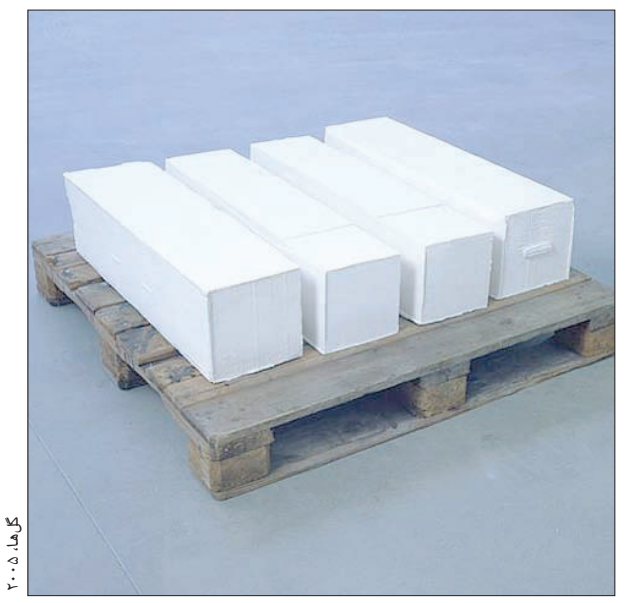
گلها، ۲۰۰۵

قفسه ۸، ۲۰۰۷

شطرنج مدرن، ۲۰۰۵

نیمکت، ۲۰۰۵

خانه، ۱۹۹۲